ماند مولایش، اباعبدالله الحسین بی سر بود

سید محمد مشکوه الممالک

مطالعه زندگی شـهدا، انسـان را به فکر فرو می برد. به دور و اطراف که نگاه می کنیم باورش برایمان سخت است که در برهه ای از زمان چنین انسان های وارسته ای وجود داشته اند.کسانی که ره صد ساله را یک شبه سپری کرده و به دیدار محبوب شتافتند.یادشـان بخیر؛ یاد آنهایی بخیر که به ندای هل من ناصر حسـین زمان (ره) با نثار جان لبیک گفتند. آنها حرفشـان را در عمل زدند نه با شعار، همانهایی که همیشه در حسرت بودند که چرا بیش از یک جان ندارند!

آنان که جنگ را کمر شکسـتند و زندگی را مرده یافتند، آنان که مرگ را هراساندند و در نهایت شهادت را به ارمغان بردند.

سـخن از بزرگ مردی به نام سـردار شـهید محمد رضا علی اوسط ، متولد ۱۳۳۵از خاندان محترم مرحوم ملا محمود مسـگر آبادی است که عده زیادی از اهالی محله مسگرآباد ،شهر ری وتهران، برای تقویت بنیه های اعتقادی ومذهبی خود از وجود او بهره مند می شدند.

*** نوید شهادت قبل از ولادت**

مادر شهید محمدرضا قبل از تولد او خواب دیده بود که به باغی بسیار سرسبز وزیبا داخل شده وازمیان درختان انبوه آن، تعداد ۳۰ عدد سیب سرخ وسفید چیده و دردامان خودقرار داده است.بعداز بیدارشدن، خواب خود را برای برادرش تعریف می کند،برادرش می گوید انشاء الله خیراست وباغ سرسبز وچیدن سیب های سرخ وسفید نوید متولدشدن فرزندی دوست داشتنی و زیبا را می دهد.سالهای متمادی گذشـت ودرسال۱۳۶۶بعد از شهادت محمدرضا برادر به خدمت مادررسیدوگفت خواهرم ،خوابی که قبل از تولدمحمدرضا دیده بودی به طورکامل تعبیر شد، چراکه راز چیدن ۳۰ عدد سیب سرخ وسفید نشان دهنده عمر بابرکت محمدرضا بوده است که در ۳۰ سالگی با اهدای خون خویش، درخت اسلام وانقلاب راسیراب کرد.

*** دوران تحصیل**

محمدرضـا دوران تحصیلی ابتدایی خودرا باتوجه به کمبود امکانات ودوری مدارس ابتدایی تهران تامحله مسگرآباد، درمنازل اهالی محل وبعداز ساخت مدرسه ابتدایی فردوسـی درهمان محل سکونت ودوران تحصیلی راهنمایی راهمزمان با اغازنهضت امام خمینی (ره) درمدرسه ابوریحان میدان خراسان با موفقیت گذراند.

*** فعالیت های قبل و بعدازانقلاب**

پدرمحمدرضا درمـورد فعالیت های قبل ازانقلاب وی می گوید: محمدرضا باتوجه به تحصیل درمیدان خراسان وقرارداشتن منزل یکی ازعموهای خود درآنجا با تعدادی از جوانان انقلابی گروه کوچکی راتشـکیل داده بودند که درمواقع لزوم درکلیه راهپیمایی ها واقدامات مسلحانه شرکت می کردند.

وی می گوید: یکی ازشبها بالباسی خاک آلود ونامناسب به منزل آمد وگفت به کلانتری ۱۱۴ میدان خراسان حمله وآنجا راپاک سازی کردیم،امشب هم قراراست به محل دفن رضاشاه ملعون حمله کنیم. محمدرضا درحمله به صداوسیما وگرفتن آنجاتوسط نیروهای انقلابی هم شرکت داشت.

باپیروزی انقلاب اسـلامی به رهبری امام خمینی (ره) همسـوبادیگرنقاط کشور،کمیته انقلاب اسلامی مسگرآباد باعضویت ۴۴ نفرازاهالی وجوانان محل توسط پدرشـهید محمدرضابه منظور محافظت ازمحل تشکیل شد که بعداز مدتی این کمیته منحل وتعدادی ازجوانان محل مانند شهید محمدرضا وشهید محمدکاظم کلهر،با معرفی پدرشهید، به کمیته انقلاب اسلامی شهرک مسعودیه پیوستند.

*** اعزام به غرب کشور**

برخی از توطئه ها علیه مردم و انقلاب اسلامی توسط نیروهای ضد انقلاب و مخالف جمهوری اسلامی(کومله،دموکرات ،سلطنت طلب و...) در شهرهای مرزی غرب کشـور صورت گرفت. چند ماهی از انقلاب نگذشـته بود که ضد انقلاب در این مناطق مسـتقر شـدند و ترس ورعب عجیبی رادر بین مردم به وجود آورده وتعداد زیادی از مردم وپاسـداران انقلاب اسـلامی را به شهادت رسانده بودند که این جریان به غائله کردستان معروف شد.

پدر شهید می گوید: با اعلام امام خمینی (ره)در مورد اینکه غائله کردستان باید خاتمه پیدا کند وضد انقلاب سـرکوب شـوند، شـهید محمدرضا به مسئول کمیته شهرک مسعودیه مراجعه و درخواست کرد که او و تعداد دیگری از جوانان را به کردسـتان جهت مقابله با ضد انقلاب ها اعزام کنند، مسـئول کمیته به آنها گفته بود تازمانی که از ما درخواست نیرو نکنند مانمی توانیم نیرو اعزام کنیم. به ناچار محمدرضا وهمرزم همیشگی اش محمدکاظم کلهر به کمیته انقلاب اسلامی میدان خراسـان و مسـجد لرزاده مراجعه کرده واز آنجا به مناطق غربی کشـور وکردستان برای مبارزه با ضد انقلاب اعزام شدند واز این زمان به بعد محمد رضا به یک رزمنده وچریک مبارز علیه دشمنان انقلاب اسلامی تبدیل شد. محمدرضا به صورت متناوب در راه تهران ،کردسـتان وباختران بود. او در زمان وقوع جنگ تحمیلی وحمله نیروهای بعثی عراق در قصر شیرین حضورداشت.

*** تشکیل گروه چریکی شهید اندرزگو**

بعد از مدتی حضور در جبهه های غرب کشـور با توجه به شـرایط مناطق کوهستانی غرب، تعدادی گروه کوچک چریکی جهت عملیات های مختلف تشکیل شد. یکی از این گروههای چریکی، شهید اندرزگو بود که بیشتر نیروهای آن ازاهالی مسگرآباد،میدان خراسان ،خیابان پیروزی وتعدادی ازکردهای ساکن منطقه بود. اعضای گروه چریکی شهید اندرزگو در یک مکان، ثابت نبودند ومرتب به ماموریتهای سخت ،غیر ممکن وپرخطر اعزام می شدند. نیروهای توانمند وتشکیل دهنده این گروه چریکی حاج حسین الله کرم، شهید محمد رضا علی اوسط وشهیدان ابراهیم هادی و جوادافراسیابی بودند.

گروه چریکی شهید اندرزگو در دوران فعالیت دوساله خود ۵۲ عملیات کوچک وبزرگ توسـط نیروهای خود انجام دادند به طوری که لشـکر چهارم ارتش عراق رادراین منطقه به ستوه درآوردوتلفات سنگینی رابه آن تحمیل کرد.

*** ازدواج شهید**

خواهر شـهید محمدرضا می گوید: همه اهل خانه و بسـتگان نسـبت به محمدرضا احساس ارادت ونزدیکی زیادی می کردند. مادر، دوست داشت که اورا زودتر داماد کند ولی اوهمیشه بهانه می آورد و می گفت بعد از پایان جنگ؛ چون معلوم نیست که سرنوشت ما چه می شود. با اصرارهای مادر،محمدرضا گفت اگر قرار باشـد روزی ازدواج کنم فقط با وجیهه دخترعمویم ازدواج می کنم. درسال ۶۱ مراسـم خواستگاری ودرسال بعد، مراسم ازدواج آنهابرگزارشد و درسال۱۳۶۴تنها فرزند دخترآنها به دنیا آمد. بعداز شهادت محمدرضا همسرش که زن بسیارمومن ،محجبه و دارای سـجایای اخلاقی فراوانی بود باادامه تحصیل واخذمدرک لیسـانس درصداوسیما مشغول کارشـدولی گویا دسـت تقدیر نمی خواست کـه بین او وهمسـر شـهیدش بیـش ازاین فاصله بیندازد ،چون درپانزدهم رمضان سـال ۱۳۸۲وقتی با زبان روزه ازمراسـم شـهدا که درصداوسـیما برگزارشده بود به سمت منزل می آمد براثر سانحه تصادف درگذشت وازاین خانواده محترم وشهید تنها فرزند دخترش به یادگار مانده است.

*** دوست داشت گمنام بماند**

پدرشـهید مـی گوید: بسـیار کم اتفاق می‌افتاد که محمدرضا از مناطق جنگی جهت دیدار وسرکشـی از خانواده و دوستان خود به تهران بیاید و بعد ازچند روز کوتاه به جبهه‌ها برنگردد. از این رو دریکی سالهای دفاع مقدس که محمد رضا جهت دیدار با خانواده آمده بود،تقریبا مدت۱۵ روزی می شدکه به جبهه نرفته بود ومن با توجه به شناختی که ازحالات اوداشتم برایم تعجـب آور بـود که چرا این دفعه مدت حضور او در کنارخانواده این قدر طولانی شـده است،به همین علت برای اینکه سرحرف رابازکنم از او پرسیدم: محمدرضا مگرجنگ تمام شـده که دیگر به جبهه نمی روی؟ محمد رضاگفت چطور مگه؟ من گفتم: چون دردوره های گذشته که ازجبهه می آمدی هرچقدرمادرت اصرار می‌کرد که چندروزی بیشتربمانی توقبول نمی کردی ومی گفتی بایدبروم درجبهه خیلی کاراست که بایدانجام بدهیم.

خلاصه با اصرارمن گفت که: پدرجان درجبهه مسئولیت مهمی را ازطرف سپاه به من پیشنهاد داده اندکه من خود را لایق پذیرش آن نمی دانم،زیرا افراد باتجربه و شایسته تری وجوددارند، گفته ام اگر این بار اصرارکنید می روم ودیگرنمی آیم. با اصرارمجدد آنها من هم کوله بارم راجمع کرده وبه خانه آمدم.

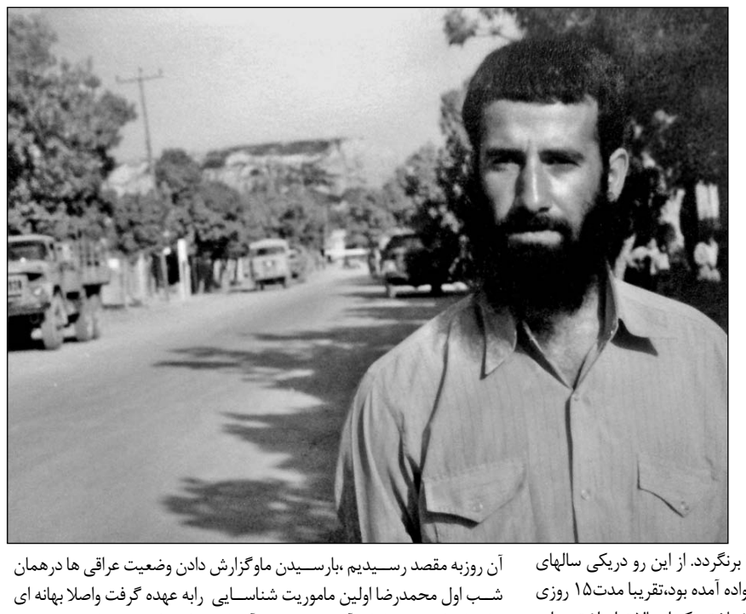

پدرشـهید می گوید: من دیگرچیزی نگفتم، تااینکه بعد از چند روز ازسپاه آمدند و بعدازکلی صحبت کردن بامحمدرضا ، دوباره به جبهه برگشـت، بعدازآن دیگرشرایط پیش نیامد که ازمحمدرضا بپرسم چه مسئولیتی رابه اوپیشنهادکرده بودند وآیاعاقبت آن را قبول کرد یا خیر.

با این حال محمدرضا با رشادت هایی که ازخودنشان داده بود،اززمان شروع غائله کردستان وتشکیل گروه چریکی شهید اندرزگومسئولیت های مهمی همچون مسئول تدارکات وپشتیبانی درگزین وجبهه زله زرددرگیلانغرب،-مسئول محورهای بانسـیرانات کوچک وبزرگ، مسئول محورهای شـیاکوه،چغالوند تنگه حاجیان وبازی‌دراز، مسئول گشتی های واحدعملیات گیلانغرب دراواخرسال ۱۳۶۰، اطلاعات وعملیات درسال ۱۳۶۱،مسئول محورجبهه های تیپ مسلم ابن عقیل وقائم مقام فرماندهی تیپ مسلم ابن عقیل را برعهده داشت.

*** خاطره همرزمان شهید**

حاج ابراهیم کلهر ازدوستان نزدیک واز همرزمان شهید محمدرضا میگوید: پس از حمله نیروهای عراقی و درهمان روزهای آغازجنگ، من وچند نفر ازدوستان به پادگان امام حسین کرج برای اعزام مراجعه کردیم. بعدازچند روزبه دلیل نفوذ نیروهای ضدانقلاب وبه بهانه شـیوع بیماری تیفوس مارا اعزام نکردند و ماهم با ناراحتی به مسـگرآباد برگشتیم. شب درحسینیه، شهید کاظم کلهر ومحمدرضا را دیدیم که تازه ازقرقرشیرین آمده بودند، با درخواست محمدرضا واعلام آمادگی ماهمان شب باخودروی لندکروز پدراو به سمت غرب حرکت کرده وغروب فردای آن روزبه مقصد رسـیدیم ،بارسـیدن ماوگزارش دادن وضعیت عراقی ها درهمان شـب اول محمدرضا اولین ماموریت شناسـایی رابه عهده گرفت واصلا بهانه ای نیاوردکه این نیروها تازه آمدند وبه محل آشنایی ندارند. ازخصوصیات مهم شهید محمدرضا،حس مسئولیت پذیری او بود.

*** توفیق شهادت در گرو حلالیت مادر**

خواهر شهید می گوید: آخرین روزهای ماه مبارک رمضان سال ۱۳۶۶بود که برادرم برای دیدار باخانواده وهمسر از جبهه های غرب کشور به تهران آمد،هرکس که اورامی دید می فهمید که حال وهوای اومثل گذشته نیست. انگارخودش هم بوی شـهادت را استشـمام کرده و فهمیده بود که بعدازسالها مجاهدت ونبرد با دشـمنان متجاوز به آب وخاک این مملکت اسلامی آرزوی دیرینه اش که همان لقای پروردگارو همرزمان شهیدش بود در حال برآورده شدن است. چراکه بعد از شهادتش همگان می گفتند این بار آخر محمدرضا طوردیگری شده بود!

با فرارسیدن آخرین جمعه ماه رمضان حماسه حضورش را درجبهه حق علیه باطل به شرکت درنمازجمعه تهران وراهپیمایی روز قدس وشعار مرگ بر اسرائیل ومرگ بر آمریکا گره زد.

بعد از شـرکت در راهپیمایی روز قدس ،هنگام غروب واذان مغرب وعشـاء وموقع افطار، سفره ای در حیاط منزل پدری که محمدرضا در طبقه دوم آن زندگی می‌کرد پهن شد. قبل از اینکه همه اعضاء خانواده سر سفره حاضر شوند،محمدرضا درکنار مادر نشست وبا همان تواضع وفروتنی همیشگی اش در مقابل مادر گفت: "مادرجان من از زمان پیروزی انقلاب اسلامی تاکنون به مبارزه با دشمنان متجاوز پرداختم ودر این مدت طولانی تعدادزیادی از بسـتگان دورونزدیک و همرزمانم در جبهه های غرب کشـور به شـهادت رسیده اند ، نمی‌دانم چرا شهادت در راه خدا،اسـلام وقرآن نصیب من نمی شـود ،من فکر می کنم شـما از شهادت من راضی نیسـتی. به همین خاطر این افتخاربزرگ از من گرفته شده است."مادر و خواهران که چندروز بود رفتارهای محمدرضا برای آنها کاملا غیر متعارف بود با شـنیدن این جمله محمدرضا متعجب شدند، دیگر فهمیده بودند که محمدرضا هـم مانند دیگر همرزمانش رفتنی اسـت.محمدرضا در ادامه حرفهایش به مادر گفت: "مادر جان اگر در کنارهمین سفره نگویی که خدایا راضی ام به رضای تو... روزه ام را بازنمی کنم."

بااصرار محمدرضا، مادردر حالی که به چشمان غرق نور او نگاه می کرد ،در کنار سفره افطار آخرین جمعه ماه رمضان دستان خودرابه سمت آسمان گرفت وسه مرتبه گفت: خدایاراضی ام به رضای تو...!

پس از دعای مادر طولی نکشـید که با اولین مراجعه محمد رضا به مناطق عملیاتی غرب کشور، خبر شهادت او در محله شهید پرور مسگرآباد پخش شد.

*** خواب تنها یادگارشهید**

تنها دختر شهید که درزمان شهادت پدرفقط دوسال داشت، ازپدرچیزی به خاطرندارد وبرای اوعکس های یادگاری پدر،تعاریف دیگران ازخصوصیات اخلاقی، کردار ورشادت هایش به یادگارمانده است. او خوابی درباره پدردیده که مصداق این آیه قرآن است که میفرماید"کسانی راکه درراه خداکشته می شوندمرده مپندارید، زیراشهیدان زنده اند ونزدخدای خود روزی می خورند"

دخترشهید میگوید: دریکی ازشبها خواب دیدم بعدازاحساس تشنگی به سمت تانکرآبی که درداخل حیاطمان بود میروم. وقتی که نزدیک تانکرآب شـدم دیدم زرمنـده ای بالبـاس خاکی که تا آن روزاو را ندیده وچهره اش برایم غریبه بود به سمت تانکرآب حرکت می کند. من تصورکردم که می خواهد وضوبگیرد ولی گویا اونیز مانند من تشـنه آب بود. آن رزمنده دستهای خود را به زیرشیرآب برد تا من آب بنوشم، اما قبل ازنوشیدن آب ناگهان دیدم، تیری ازسـمت روبه رو،به پیشانی رزمنده اصابت کـرد و درکنارمن روی زمین افتاد وبه شهادت رسید،من خیلی ترسیده وحالم منقلب شده بود. ناگهان دراین شرایط پدرم را دیدم که به سمت من آمد ومرا درآغوش گرفت به طوری که ضربان قلبش رابه خوبی احسـاس می کردم. پدرمرا دلداری دادوبه من گفت: دخترم ازهیچ چیز نگرانی نداشته باش. بعد با انگشت به سمت مقابل حیاط وسنگری که قسمتی از آن باسنگ وقسمت دیگربا گونی های خاکی ساخته شده بود، اشـاره کرد و گفت: من همیشه داخل آن سنگرمواظب شما هستم .

*** مانندمولایش، اباعبدالله الحسین بی سر بود**

علـی عسـگری همسـنگر شـهید می‌گوید:دهم خرداد سـال ۶۶، درمنطقه بانه وعملیات کربلای ۱۰ بودیم. راننده بولدوزربرای انجام راه سازی مشغول کاربود ومحمدرضا درکناراودستوراتی می‌داد. شرایط منطقه طوری بود که باتوجه به دید کاملی که عراقی ها داشتند به شدت آماج تیرهای توپخانه دشـمن قرار داشـت. هرچقدراصرار کردم که داخل سنگر بیاید او اعتنایی نکرد ناگهان گلوله توپی در کنار او برروی زمین اصابت کرد برای چند دقیقه زمین و زمان پراز گردوخاک شد. بافرو نشستن غبارهرچه نگاه کردم ازمحمدرضاخبری نبود ، به سـمت اودویدم بعد از جسـت وجو دیدم موج انفجار محمدرضا را به زیر لودرپرتاب کرده است با حرکت دادن آهسته لودر بدن محمدرضا نمایان شد، تمام وجودم راغم وغصه فراگرفته بود،چراکه ترکش به سرمحمدرضا برخورد کرده و از سـر و روی زیبای او فقط محاسـن بلندش باقی مانده بودواین گونـه بودکه محمدرضا بادعای خیر مادرش ، مانندمولایش بی سـرش اباعبدالله الحسین (ع)بابدنی غرق خون وبی سر به سمت آسمان پرگشود ودرروزهای بعد پیکرپاکش برروی دسـتان اهالی مسـگرآباد وهمرزمانش تشییع وبرای همیشه درقطعه ۲۹،ردیف ۱۲۱،شماره۱۷بهشت زهرای تهران آرام گرفت.

شـهید محمدرضا علی اوسـط در وصایای خود به مباحثی چون اهمیت به نماز، نیکی به یکدیگر، ادامه دادن راه شهدا، مطیع ولایت فقیه بودن تأکید کرده است؛ او یک جمله ای زیبایی هم در وصیتنامه نوشته بود جمله ای که هنوز هم روی دیوار خانه پدر شـهید حک شـده است؛ «روی زمین خدا راه می روید، معصیت نکنید».

*** بخشی از وصیتنامه شهید محمدرضا علی اوسط**

حال ای امام عزیز! می دانم که تو نائب امام زمان (عج)، فرزند محمد مصطفی(ص) و امام حسین (ع) هستی و این توبودی که روحی تازه از اسلام به ما دمیدی.

این را می دانم که ندای هل من ناصر ینصرنی برای اسلام سر داده ای. من هم به ندای آسـمانیت لبیک گفتم وحاضرم تا آخرین قطره خونم برای اسـلام جانفشانی کنم!

از شـما ای امام عزیز می خواهم در روز قیامت شـفیع من باشی واز خدای متعال برای من طلب مغفرت کنی،چون ما درگذشته گنهکار وجاهل بوده ایم.

ای پدر ومادر،خواهر، برادر وتمامی دوستان وآشنایان! امیدوارم هربدی ورنجی از من مشاهده شد به بزرگواری وخوبی خودتان ببخشید.

ای خدای بزرگ! وای قادر متعال! از تو می خواهم که اگرشهادت را نصیبم کردی،فقط به خاطر رضایت ذات مقدست باشد!

بار خدایا شـهادت در راه خودت واسلام رانصیبم کن ومرا در صف شهیدان اسلام قرار بده!

خدایـا مارا ازبندگان مخلص خودت ومومنین به پیامبرت حضرت محمدبن عبدالله(ص) وازشـیعیان ولی ات حضرت علی (ع)وازسـربازان ولی امرت حضرت مهدی(عج) ونائب بر حقش خمینی عزیزقراربده!

خدایا ازتومی خواهم درلحظه ای که مرگم فرامی رسد،ازتمام دوستی ،عشق ومحبت ها،جزدوسـتی ،عشق ومحبت نسبت به خودت واز تمام وابستگی ها،جز وابستگی به خودت، آزادم سازی.

آگهی تغییرات شرکت فنی تاسیساتی بلند آبشار سهامی خاص به شماره ثبت ۵۸۳۷ و شناسه ملی ۱۰۲۲۰۰۹۸۷۱۵

به استناد صورتجلسه مجمع عمومی عادی سالیانه مورخ ۱۳۹۳/۲/۲۶تصمیمات ذیل اتخاذ شد:
۱- ترازنامه و عملیات مالی سال ۹۱ تصویب گردد.
۲- آقای توحید یوسـفزاده اصل کدملی ۲۸۰۲۶۴۹۴۲۶ بعنوان بازرس اصلی و آقای فرهاد بانگ زارع کدملی ۲۷۵۳۵۶۹۴۶۰ بعنوان بازرس علی‌البدل شرکت بمدت یکسال انتخاب شدند.
۳- روزنامه کیهان جهت درج آگهی‌های شرکت تعیین شد.
۴- امضای ذیل ثبت دفتر مربوطه در تاریخ ۹۳/۳/۲۶ تکمیل شد.

ثبت شرکتها و مؤسسات غیرتجاری ارومیه
سازمان ثبت اسناد و املاک کشور

آگهی تغییرات شرکت تولیدی صنعتی کولاسکوه محلات سهامی خاص به شماره ثبت ۱۹۶۳۲۶ و شناسه ملی ۱۰۷۸۰۰۰۷۹۰۱

به استناد صورتجلسه مجمع عمومی عادی بطور فوق‌العاده مورخ ۱۳۹۲/۶/۲۳ تصمیمات ذیل اتخاذ شد:

روزنامه کثیرالانتشار کیهان جهت نشر آگهی‌های شرکت تعیین شـد. مرتضی سهرابی به شـماره ملی ۰۰۴۷۲۰۹۰۶۲ به عنوان بازرس اصلی و پریسا خواجه‌دهی به شماره ملی ۰۰۷۲۳۷۲۷۶۱ به عنوان بازرس علی‌البدل برای یک سال مالی انتخاب گردیدند. ترازنامه و حساب سود و زیان شرکت منتهی به سال ۹۱/۱۲/۳۰ مـورد تصویب قرار گرفت. اعضا هیئت مدیـره به قرار ذیل برای مدت ۲ سـال انتخاب گردیدند:محمد مولوی‌زاده به شماره ملی ۰۰۳۵۷۹۷۳۴۷ و رجب صفری به شماره ملی ۶۰۲۹۷۱۰۵۶۷ و جعفر اصغرزاده به شماره ملی ۶۰۲۹۷۱۶۲۱۲

اداره ثبت شرکتها و مؤسسات غیرتجاری
سازمان ثبت اسناد و املاک کشور

آگهی تغییرات شرکت فنی تاسیساتی بلند آبشار سهامی خاص به شماره ثبت ۵۸۳۷ و شناسه ملی ۱۰۲۲۰۰۹۸۷۱۵

به استناد صورتجلسه مجمع عمومی فوق‌العاده مورخ ۱۳۹۳/۲/۲۸ و هیئت مدیره مورخ ۹۳/۲/۳۰ تصمیمات ذیل اتخاذ شـد: ۱- سـرمایه شـرکت از مبلغ ده میلیون ریال منقسـم به یکصد سهم یکصدهزار ریالی بانام به مبلغ پانصد میلیون ریال منقسم به ۵۰۰۰ سـهم یکصد هزار ریالی با نام از طریق صدور ۴۹۰۰ سهم جدید به ارزش اسمی هر سهم مبلغ یکصدهزار ریال و از محل تبدیل مطالبات نقدی حال شـده اشـخاص افزایش یافت. ۲- با قطعیت افزایش سرمایه ماده ۵ اساسنامه بشـرح زیر تغییر و اصلاح شـد. ماده ۵- سرمایه شـرکت مبلغ پانصد میلیون ریال می‌باشد که از ۵۰۰۰ سهم یکصد هزار ریالی با نام تشکیل یافته و صددرصد پرداخت شده است. ۳- امضای ذیل ثبت دفتر مربوطه در تاریخ ۹۳/۳/۲۶ تکمیل شد.

ثبت شرکتها و مؤسسات غیرتجاری ارومیه- سازمان ثبت اسناد و املاک کشور

آگهی تغییرات شرکت توسعه اقتصاد راد سهامی خاص به شماره ثبت ۴۲۴۹۹۹ و شناسه ملی ۱۰۳۲۰۷۶۸۰۰۱

به استناد صورتجلسه مجمع عمومی عادی سالیانه مورخ ۱۳۹۲/۴/۱۲ تصمیمات ذیل اتخاذ شد:

ترازنامـه و حسـاب سـود و زیـان سـال مالـی ۹۱ بـه تصویب رسـید. مؤسسه حسابرسـی فاطر به شناسه ملی ۱۰۱۰۰۱۸۸۵۷۴ به عنوان بازرس اصلی و آقای محمدرضا نادریان به شـماره ملی ۳۷۸۱۸۴۰۸۲۴ به عنوان بازرس علی‌البدل برای یک سال مالی انتخاب گردیدند.

روزنامه کثیرالانتشار کیهان جهت نشر آگهی‌های شرکت تعیین گردید.

اداره ثبت شرکتها و مؤسسات غیرتجاری
سازمان ثبت اسناد و املاک کشور

آگهی ابلاغ

شاکی سهراب کریمایی شکایتی علیه محمد عبدالهی با موضوع خیانت در امانت تقدیم دادگاه‌های عمومی شهرسـتان بخش رودبار الموت شهرستان قزوین نموده که جهت رسیدگی به شعبه دادگاه عمومی بخش الموت شـرقی واقع در اسـتان قزوین- شهرستان قزوین- بخش الموت شرقی ارجاع و به کلاسـه ۹۲۰۹۹۸۲۸۴۳۱۰۰۴۴۹ ثبت گردیده که وقت رسـیدگی آن ۹۳/۵/۲۷ و ساعت ۱۰ تعیین شـده اسـت. به علت مجهول‌المکان بودن متهم و درخواست شـاکی و به تجویز ماده ۱۱۵ قانون آیین دادرسی کیفری و دستور دادگاه مراتب یک نوبت در یکی از جراید کثیرالانتشار آگهی می‌شود تا متهم پس از نشر آگهی و اطلاع از مفاد آن به دادگاه مراجعه و ضمن اعلام نشانی کامل خود در وقت مقرر فوق جهت رسیدگی و دفاع از اتهام انتسابی حاضر گردد.

سرپرست دفتر دادگاه عمومی بخش الموت شرقی استان قزوین

آگهی موضوع ماده ۳ قانون و ماده ۱۳آئین‌نامه قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی و اراضی و ساختمانهای فاقد سندرسمی

برابـر رای شـماره ۱۳۹۲۶۰۳۰۹۰۰۱۰۰۸۲۱۶ هیئـت اول پرونـده کلاسـه ۱۳۹۱۱۱۴۴۰۹۰۰۱۰۰۱۹۳۹ موضـوع قانـون تعییـن تکلیـف وضعیت ثبتـی اراضی و سـاختمان‌های فاقد سند رسـمی مسـتقر در واحد ثبتی حوزه ثبت ملک قزوین تصرفات مالکانه بلامعارض متقاضی خانم شـهلا باجلوند فرزند دانیال بشـماره شناسـنامه ۱۱۲ کد ملی ۴۳۲۶۴۷۶۴۱ صادره از قزوین در ششدانگ یک باب ساختمان به مساحت ۱۸۱/۳۵ مترمربـع پلاک باقیمانده ۳۸ اصلی واقع در بخش ۵ قزوین خریداری مع‌الواسـطه از مالک رسـمی آقای صفت‌اله مافی محرز گردیده اسـت. لذا به منظور اطـلاع عموم مراتب در دو نوبت به فاصله ۱۵ روز آگهی می‌شود در صورتی که اشخاص نسبت به صدور سند مالکیت متقاضـی اعتراضی داشـته باشـند می‌توانند از تاریخ انتشـار اولین آگهی بـه مدت دو ماه اعتراض خود را به این اداره تسلیم و پس از اخذ رسید، ظرف مدت یک ماه از تاریخ تسلیم اعتراض،دادخواسـت خود را به مراجع قضایی تقدیم نمایند. بدیهی است در صورت انقضای مدت مذکور وعدم وصول اعتراض طبق مقررات سند مالکیت صادر خواهد شد.

تاریخ انتشار نوبت اول: ۱۳۹۳/۴/۱ تاریخ انتشار نوبت دوم: ۱۳۹۳/۴/۱۶

توضیحات: توضیح اینکه کد مرسوله پستی ۴۶۷۶۳۰۰۳۴۱۱۴۱۹۵۷۹۲۷۳ صحیح می‌باشد.

حسن غلامحسینی- رئیس ثبت اسناد و املاک قزوین

آگهی تاسیس شرکت تعاونی پیشتازان تامین پلاستیک استان قزوین

تاسیس شرکت تعاونی پیشتازان تامین نیاز پلاستیک استان قزوین در تاریخ ۱۳۹۳/۳/۲۵ به شماره ثبت ۱۳۱۹۸ به شناسـه ملی ۱۴۰۰۴۱۳۸۳۹۵ ثبت و امضاء ذیل دفاتر تکمیل گردیده که خلاصه آن به شرح زیر جهت اطلاع عموم آگهی می‌گردد.

۱- موضوع شرکت: تامین مواد اولیه مورد نیاز اعضا و لوازم و تجهیزات کاری برای اعضا و سهامداران تهیـه و توزیع انواع مواد پلیمری، پتروشـیمی، غیـره. واردات و صادرات انـواع محصولات تولیدی واحدهای تحت پوشـش، سـهامداران و اعضـا. واردات و صادرات انواع مواد پلیمری و پتروشـیمی و ابـزارآلات مرتبـط با فعالیت. ۲- مدت شـرکت: از تاریخ ثبت به مدت نامحـدود. ۳- مرکز اصلی شـرکت: استان قزوین شهرسـتان قزوین خیابان نادری شـمالی روبروی فروشگاه فرهنگیان پلاک ۱۰۶ واحد ۱ کدپسـتی ۳۴۱۳۷۶۹۱۵۴ ۴- سـرمایه شـرکت: مبلغ ۳۴۶۵۰۰۰۰ ریال منقسم به ۳۳ سـهم ۱۰۵۰۰۰۰ریالی که تعداد ۳۳ سهم آن با نام می‌باشد که مبلغ ۱۱۵۵۰۰۰۰ ریال توسط مؤسسـین طی گواهی بانکی شماره- مورخ ۱۳۹۳/۱/۱۸ نزد بانک توسعه تعاون شعبه شهید رجائی قزوین پرداخت گردیده است.

۵- اولین مدیران شرکت:
۵-۱- آقای محمد دادرس کدملی ۴۳۲۱۹۰۱۸۵۵ به سمت رئیس هیئت مدیره
۵-۲-آقای ظفر امیربیگلوبی داریانی کدملی ۰۴۵۰۹۶۱۱۵۳۲ به سمت نائب رئیس هیئت مدیره
۵-۳- آقای افشین فخر کدملی ۰۰۵۷۵۸۸۵۱۱ به سمت منشی هیئت مدیره
۵-۴-آقای حمید خویی لر کدملی ۰۰۵۶۶۵۸۳۷۰ به سمت عضو اصلی هیئت مدیره
۵-۵- آقای مهدی دهقان کدملی ۰۰۴۱۶۹۴۱۱۲ به سمت عضو اصلی هیئت مدیره
۵-۶-آقای مهدی عبدیان کدملی ۴۳۲۲۸۵۷۲۶۴ به سمت عضو علی‌البدل هیئت مدیره
۵-۷-آقای حسن فرج‌اللهی کدملی ۴۳۲۰۵۹۸۸۹۱ به سمت عضو علی‌البدل هیئت مدیره به مدت سه سال انتخاب گردیدند.
۵-۸-آقای افشـین فخر کدملی ۰۰۵۷۵۸۸۵۱۱ به سـمت مدیرعامل برای مدت دو سـال انتخاب گردیدند.

- دارندگان حق امضا: کلیه قراردادها و اسـناد رسـمی و تعهدآور بانکی از قبیل چک، سفته بروات و اوراق بهـادار بـا امضای رئیس هیئـت مدیره به اتفاق مدیرعامل در غیـاب رئیس هیئت مدیره با امضای نایب رئیس هیئت مدیره و مهر شـرکت دارای اعتبار اسـت و اوراق عادی و نامه‌ها با امضای مدیرعامل و مهر شرکت معتبر می‌باشد.
-اختیارات مدیرعامل: طبق اساسنامه
-بازرس اصلی و علی‌البدل:
۶- آقای حمداله شریفی به شماره ملی ۴۳۲۱۴۷۰۱۵۳ بعنوان بازرس اصلی
۷-آقای محمود انوشه به شـماره ملی ۵۰۸۹۲۹۳۸۸۰ بعنوان بازرس علی‌البدل برای مدت یکسال مالی انتخاب گردیدند.

رئیس اداره ثبت اسناد و املاک قزوین- حسن غلامحسینی

آگهی تغییرات شرکت رزمین ماشین سهامی خاص به شماره ثبت ۹۴۷۹۲ و شناسه ملی ۱۰۱۰۱۳۸۸۶۶۵

به استناد صورتجلسه مجمع عمومی عادی بطور فوق‌العاده مورخ ۱۳۹۲/۷/۱۵ تصمیمات ذیل اتخاذ شد:

عبدالرضا رزمگیر کدملی ۱۸۲۸۹۱۴۱۷۷ به سمت رئیس هیات مدیره و سوسـن قهری کدملی ۰۰۴۳۷۶۲۴۰۹ به سـمت نائب رئیس هیات مدیره و محمدرضا رزمگیر کدملی ۱۸۲۸۸۹۳۴۸۱ به سـمت عضو هیات مدیره برای مدت ۲ سال انتخاب گردیدند. احمدرضا رزمگیر کدملی ۱۸۲۹۲۱۴۷۸۰ به سمت بازرس اصلی و نغمه یاری کدملی ۰۰۷۱۶۴۳۹۵۸ به سمت بازرس علی‌البدل برای مدت یک سال مالی انتخاب گردیدند.

اداره ثبت شرکتها و مؤسسات غیرتجاری
سازمان ثبت اسناد و املاک کشور

آگهی تغییرات شرکت خدمات بیمه‌ای تداوم زندگی سهامی خاص به شماره ثبت ۳۱۲۱۲۵ و شناسه ملی ۱۰۱۰۳۵۱۰۵۶۲

به استناد صورتجلسه هیئت مدیره مورخ ۱۳۹۲/۴/۱۵ تصمیمات ذیل اتخاذ شد:

آقای عباس هداوندی به شـماره ملی ۰۵۵۸۳۰۷۸۵۱ به سمت مدیرعامـل و عضو هیئت مدیـره، آقای حسـین کرکه‌آبادی به شماره ملی ۴۵۶۹۷۲۰۷۷۳ به سمت رئیس هیئت مدیره و خانم فاطمه هداوندی به شـماره ملی ۰۰۱۴۱۴۴۷۹۴ به سمت نایب رئیس هیئت مدیره.

کلیه اسـناد و اوراق بهادار و بانکی با امضـاء مدیرعامل و رئیس هیئت مدیره متفقا و سایر اوراق عادی و اداری با امضاء مدیرعامل و یـا یکی از اعضای هیئـت مدیره همراه با مهر شـرکت معتبر می‌باشد.

اداره ثبت شرکتها و مؤسسات غیرتجاری
سازمان ثبت اسناد و املاک کشور

آگهی تغییرات شرکت قطعات خودروئی فرآیند پیچ شرق سهامی خاص به شماره ثبت ۲۵۹۸۲۷ و شناسه ملی ۱۰۱۰۲۹۹۹۳۱۰

بـه اسـتناد صورتجلسـه مجمع عمومی عـادی سـالیانه مورخ ۱۳۹۲/۴/۱۵ تصمیمات ذیل اتخاذ شد:

اعضای هیئت مدیره خانم شهلا نوری ۰۶۰۲۵۸۸۹۸۷ آقای رضا هوشمند ۰۶۰۲۵۷۴۰۵۶ و آقای مهران هوشمند ۰۳۸۶۱۷۰۹۵۹ برای مدت دوسال انتخاب شدند.

آقای سـلیمان نوری ۰۶۰۲۶۳۷۵۷۰ به سـمت بازرس اصلی و آقـای ابوالفضـل رسـتمیان ۰۶۰۲۵۶۱۶۴۷ به سـمت بازرس علی‌البدل برای مدت یک سال مالی انتخاب شدند.

روزنامه کثیرالانتشـار کیهان جهت چاپ نشر آگهی‌های شرکت انتخاب شد.

**ا